

ایران، ج ۲، تهران ۱۳۶۸ ش؛ حورا بساوری، داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران: گفتارهایی در نقد ادبی، تهران ۱۳۸۸ ش.

/ بهرام پروین کتابداری /

دانشهای حدیثی ← علم الحدیث

دائق ← سکه

دانگ، واحدی در اندازه‌گیری وزن، سطح، زمان و آواهای موسیقی. واژه دانگ، در پهلوی *dāng* (فروه‌وشی، ذیل واژه)، در گویش زردشتیان *dung* (همان، ذیل «دونگ») و در گویشهای *dong* به کار رفته است (سروشیان؛ ایزدپناه؛ ستوده؛ برومند سعید؛ رضائی، ۱۳۷۳ ش؛ محمودی، ذیل «دانگ»). این واژه به صورت دانک (*dānak*) به معنای هر دانه کوچک، مانند جو و گندم، نیز به کار رفته است (نقیسی، ذیل «دانک») که به نظر می‌رسد تغییر شکل یافته *dānak* در زبان پهلوی باشد (معین، ذیل «دانک»؛ مشکور، ج ۱، ص ۲۳۵). پوردادود (ص ۲۶۸) واژه دانک یا دانگ را معادل *dānā* در اوستا و *dhānā* در سنسکریت، به معنای دانه، دانسته و معتقد است در نوشته‌های پهلوی، به جای آن واژه آرامی *mad* به کار رفته است. دانگ در عربی به صورت *دائِق* / *دائِق* (جمع: *دوانق* یا *دوانیق*) از ریشه «دئق» است.

بر اساس الواح به دست آمده از تخت جمشید، به نظر می‌رسد نخستین بار واژه *dānaka* به عنوان واحد وزنی برابر یک هشتم شکل (حدود ۱٫۰۵ گرم) در دوره پادشاهی داریوش (حک: ۴۸۶-۵۲۱ یا ۴۸۵ ق م) به کار رفته و بعدها استفاده از آن منسوخ شده، اما شکل یونانی آن، *danake*، در دوره هلنی و بعد از آن، برای نشان دادن قطعه نقره‌ای معادل یک ششم در اخم رواج داشته است (کامرون^۴، ص ۱۳۲؛ بیوار^۵، ص ۶۲۲).

اگرچه دائق بیشتر به عنوان سکه‌ای معادل یک ششم درهم در دوره عرب جاهلی به کار می‌رفت (جوهری؛ ابن سیده؛ ابن منظور، ذیل «دئق»؛ جوادعلی، ج ۷، ص ۵۰۳؛ نیز ← جاحظ، ص ۱۰۶)، واحد وزن نیز بود (ابن قزّاء، ص ۱۷۴؛ ابن‌اخوه، ص ۱۴۱؛ مقریزی، ص ۹۷). دانگ در مفهوم حصه، بهره، سهم و قسمت نیز به کار رفته است (نقیسی؛ شهریار نقوی، ذیل واژه؛ اقتداری، ذیل «دنگ»).

دانگ به عنوان واحد اندازه‌گیری در مقیاس وزن، متفاوت

و اشنگتن به انگلیسی ترجمه و منتشر کرد. در ۱۳۷۱ ش / ۱۹۹۲ رکسانا زند نیز سوشون را با عنوان «عزاداری ایرانی»^۱ ترجمه و در نیویورک منتشر کرد. این رمان در ۱۹۹۵ به هلندی، در ۱۹۹۷ به آلمانی، و در ۲۰۰۵ به اسپانیولی ترجمه شده است. دو مجموعه از داستانهای کوتاه وی به انگلیسی ترجمه شده است. نخست مریم مافی در ۱۳۶۸ ش / ۱۹۸۹ مجموعه‌ای شامل پنج داستان کوتاه را همراه با غروب جلال و نامه‌ای از دانشور به مترجم و مؤخره‌ای در معرفی آثار دانشور، با عنوان «صورتخانه دانشور»^۲ در واشنگتن منتشر کرد و سپس حسن جوادی‌نیا و امین نشاطی در ۱۳۷۳ ش / ۱۹۹۴، مجموعه‌ای از شش داستان کوتاه دانشور را با عنوان «شوترا»^۳ و چند داستان دیگر^۳ در واشنگتن ترجمه و منتشر کردند.

منابع: جلال آل‌احمد، یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات، تهران ۱۳۷۶ ش؛ والاس استگر، «سلامی گرم به سیمین دانشور»، ترجمه فرزانه میلانی، در سیمین دانشور، نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل‌احمد، کتاب ۱: نامه‌های دانشور به آل‌احمد در سفر آمریکای دانشور (۱۳۳۲-۱۳۳۱)، تدوین و تنظیم مسعود جعفری‌جزی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ حسین پاینده، داستان کوتاه در ایران، تهران ۱۳۸۹ ش -؛ همو، «سیمین دانشور: شهرزادی پسادرن»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال ۶، ش ۳ (دی ۱۳۸۱ ش)؛ سیمین دانشور، شناخت و تحسین هنر: مجموعه مقالات، تهران ۱۳۷۵ ش؛ همو، غروب جلال، قم ۱۳۶۹ ش؛ همو، «گفتگو با سیمین دانشور»، گفتگوکننده علی دهباشی، در بر ساحل جزیره سرگردانی: جشن نامه دکتر سیمین دانشور، به کوشش علی دهباشی، تهران: سخن، ۱۳۸۳ ش الف؛ همو، نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل‌احمد، کتاب ۱: نامه‌های دانشور به آل‌احمد در سفر آمریکای دانشور (۱۳۳۲-۱۳۳۱)، تدوین و تنظیم مسعود جعفری‌جزی، تهران ۱۳۸۲ ش ب؛ جلیل دوستخواه، «شهری چون بهشت»، راهنمای کتاب، سنال ۵، ش ۷ (مهر ۱۳۴۱)؛ محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تهران ۱۳۳۷-۱۳۴۰ ش؛ مریم زندی، چهره‌ها: سیمایی از ادبیات معاصر ایران، تهران ۱۳۷۶-۱۳۷۲ ش؛ غلامحسین صدیقی، فریدون مشایخ فریدنی، و احمد طاهری عراقی، «کارنامه‌ی شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تأسیس تا پایان سال ۱۳۷۳»، نامه فرهنگستان، سال ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۷۴)؛ مهناز عبدللهی، «سالشمار سیمین دانشور»، در بر ساحل جزیره سرگردانی، همان؛ دانیال سیمونویچ کیمساروف، «سیمین دانشور و سوشون اوه»، ترجمه نرگس محمدی‌بدر، در همان؛ هوشنگ گلشیری، جدال نقش با نقاش در آثار دانشور: از آتش خاموش تا سوشون، تهران ۱۳۷۶ ش؛ عباس مافی، نامه‌های مستعار نویسندگان و شاعران معاصر ایران، تهران ۱۳۸۱ ش؛ جمال میرصادقی، ادبیات داستانی: قصه، داستان کوتاه، رمان، تهران ۱۳۶۶ ش؛ همو، جهان داستان: ایران، تهران ۱۳۸۱ ش؛ حسن میرعابدینی، صدسال داستان‌نویسی در

1. *A Persian requiem*2. *Daneshvar's playhouse*3. *Sutra and other stories*4. *Cameron*5. *Bivar*

THE
JOURNAL
OF THE
ROYAL ASIATIC SOCIETY
OF
GREAT BRITAIN & IRELAND.

NEW SERIES.

VOL.
X.



PART
II.

F. A. S. M. DCCCXXIII. INST.

APRIL, 1878.

LONDON:
TRÜBNER & CO., LUDGATE HILL.

accent in Hebrew also was once the same. Several reasons make me believe that the case-endings (-u, -i, -a) were still pronounced in Hebrew at the time when the majority of the books of the Old Testament were written down, but although final were not expressed in writing in consequence of their short quantity. Thus on Egyptian monuments as late as the period of Shishak names of places in Palestine, which end in a consonant in the Masoretic text, have *u* final, e.g. נגבו = *Nigbu*, בעלו = *Ba'ul*. Even in Nehemiah (vi. 6), we find *Gashmu*, which is elsewhere written *Geshem* (ii. 19). The first part of a compound proper name, again, sometimes preserves in writing the final vowel-ending, as פנוראל, בתוראל (I. Chr. iv. 26).¹ Hence the Masoretic accentuation of Hebrew words will not have its origin in the necessities of monotone, but be a survival of the primitive accent which fell upon the penultima, when the case-terminations were still pronounced.

Mr. Pinches has pointed out to me two new passages which complete our knowledge of the forms of the Assyrian Permansive. One is to be found in K. 575, line 27 (P), where we read *rd a-na-en ina eli la sa-as-lu-dha-en* 'and I moreover do not cause to rule,' *sashudhaen* being the first person Sing. Permansive Shaphel of שָׁלַט. The other occurs in K. 186, where, after the proper names *S'a-pi-en*, *A-ka-na*, *La-ba-si*, *Zu-kin-ta*, and *S'in* (*sam-ma khansa* 'five in all'), we have D. P. *Da-ra-ta-ai ma-a a-ni-ni* 'natives of Dara, as aforesaid, (are) we,' and then in the next two lines *na-tsa-ni* 'we are gone forth,' and *ni-ic-ka-a-ni* 'we are cut off,' where *natsani* and *nicsani* are first persons plural of the Permansive, agreeing in form with the hypothetical forms I have proposed elsewhere. The discovery of the plural of the first personal pronoun is important, as the second character is unfortunately obliterated in the only passage in which it has hitherto been met with (Beh. i. 3). It will be noticed that Assyrian has lost the guttural aspirate (א) in the word, as is so frequently the case, and has weakened *a* to *i* according to the usual rule.

¹ Up to the time of Assur-bani-pal, Hebrew proper names are written on the Assyrian monuments with the final vowel attached. Thus, Hezekiah is *Khazo-lu-ahbu*, Abub is *Akhabu* (i.e. *Akhabu*), Jerusalem is *Yrushalima* (i.e. *Yrushalima*), where the position of the accent must be noted. Conversely, Assyrian proper names, which have a final vowel in the inscriptions, are written defectively in our present Hebrew text. Thus *S'im-akhi-erba* appears as סַחְרִיב, *Babilu* as בָּבֶל, the *Turtanu* as תַּרְתַּן.

119 EKIM 1993

ART. XIII.—*Arab Metrology. II. El-Djabarty.*

By M. II. SAUVAIRE.

A YEAR ago I had the honour of introducing to the Society M. Sauvaire's translation of Mar Eliyá's treatise on weights and measures, which appeared in Vol. IX. pp. 291-313 of the Journal. In the notes to that work reference was frequently made to the treatise on the Balance by Husan El-Jabarti. Since then M. Sauvaire has completed a translation of a portion of the treatise, and has entrusted to me the agreeable office of presenting this new contribution to the Society.

The present translation consists entirely of that part of El-Jabarti's work which treats of the various values of the measures of weight employed in Muslim countries, and the modes of converting weights expressed in the terms of one place into those of another. The extract occupies fol. 34-45 of the MS., which is preserved in the Bibliothèque Nationale at Paris; the rest of the MS., which in all contains only 48 folios, is concerned with a distinct subject—"L'auteur y étudie," M. Sauvaire writes, "la composition de la romaine (تَبَان), énumère les divers éléments dont cet instrument se compose en en donnant la description, et indique même les moyens d'en corriger au besoin les défauts." I am happy to say that M. Sauvaire hopes at a future time to accomplish the translation of this other portion of the work, and thus to present El-Jabarti's *El-'Ikd eth-themin*, or "High-priced Necklace," in its entirety. In the mean time the portion now offered to the Society is sufficient, both in importance and in length, for one article in the Journal.

BELOUVE MARRIENS, S.W.

Jan. 23, 1878.

STANLEY LANE POOLE.

العقد الثمين فيما يتعلق بالموازين

Le Collier de prix touchant ce qui concerne les balances. Par le Cheikh Husan el Djabarty. MS. arabe de la Bibliothèque Nationale, Supplément, No. 985, fo. 34r. à fo. 45r.

ART. XVIII.—*Arab Metrology. IV. Ed-Dahaby.*

By M. H. SAUVAIRE.

[p. 1.] Ceci est un traité important, substantiel, utile, sur la détermination du derham, du metqâl, etc., par le maître, le très docte cheikh Ed-Dahaby, que Dieu lui fusse miséricorde et nous fasse profiter de lui et de ses connaissances ! Ainsi soit-il !

[p. 2.] Au nom de Dieu clément, miséricordieux !

Louange à Dieu, le maître des mondes ! Que la prière et le salut reposent sur notre Seigneur Mohammad, sa famille, ses compagnons et les compagnons de ses compagnons (tâbé'yn) !

Or donc, voici ce que dit Moustafa Ed-Dahaby, le châfé'ite : Ceci est un traité sur la détermination تحرير du derham, du metqâl, des monnaies ayant cours en Egypte (Mesr), de la quantité d'alliage غش qu'elles contiennent et du chiffre qu'elles fournissent comme quotité imposable (nésab), ainsi que cela a été déterminé حزر à l'hôtel des monnaies, et sur l'exposé des poids et des mesures de capacité.

En ce qui regarde le derham et le metqâl, les textes établissent qu'ils n'ont pas changé, ni avant ni depuis l'islamisme, c'est-à-dire que la puissance مقدار de ces deux poids, sous l'islamisme, n'a pas varié de ce qu'elle était au temps du paganisme et qu'elle est restée conforme à la détermination que les Grecs (Younân) en avaient faite. Or les gens ont continué de l'adopter, lors de la venue de l'islamisme, le législateur (sacré) ayant gardé le silence sur ce point. Les derhams et les metqâls dont il est question dans la zakâh (la dîme aumônière) et autres (prescriptions religieuses) doivent donc s'entendre de cette (manière) et ne sauraient être l'objet d'aucun doute, contrairement à ce que se sont imaginé quelques (docteurs).

Ebn er-rof'ah¹ dans le *Tebhydân*,² Es-Suroûdjy³ dans le Commentaire de la *Hédâyah*,⁴ Es-Soyoufîy⁵ dans le *Qat'el mouljâdah*,⁶ El Maqrîzy,⁷ Abd el Qâder es-Soufîy⁸ et autres auteurs ont rapporté que les Grecs (*Younân*) avaient évalué le derham à quatre mille deux cents grains (*habbah*)—4200,—des grains de moutarde sauvage,⁹ et le metqâl à six mille de ces mêmes grains¹⁰—6000. Le derham se trouve ainsi égal aux sept-dixièmes du metqâl,¹¹ c'est-à-dire à la demie et un cinquième de celui-ci,¹² et le metqâl à un derham et trois septièmes de derham. Conséquemment les dix derhams équivalent à sept metqâls.¹³ Cette équation est basée sur le rapport de l'or pur إلى الصالى à la parité de son volume¹⁴ d'argent pur. Alors, en effet, le poids de l'or surpasse celui de l'argent des trois septièmes de ce dernier, comme cela est connu. On n'a pris pour base ce rapport qu'à cause de la fréquence de l'emploi des (expressions) *derham* et *metqâl* pour signifier les deux monnaies (légales), le (mot) *metqâl* étant notoirement usité en (parlant de) l'or et le (mot) *derham* pour (exprimer) l'argent ; et l'on n'a fait l'évaluation en moutarde sauvage que parce qu'elle constitue une espèce unique qui ne varie ni en légèreté ni en pesanteur رزانة, ainsi que l'ont rapporté El Maqrîzy et autres. L'évaluation faite au moyen de cette (graine) est donc d'une régularité constante ;¹⁵ il en est tout

¹ Docteur châfé'ite mort en l'année 710 de l'hég.

² Voy. El Djabarty, p. 4, note 4, du tirage à part.

³ Voy. sur ce docteur hanafite, qui mourut en l'année 710 de l'hég., El Djabarty, p. 4, note 2.

⁴ Ce commentaire de la *Hédâyah* d'El Marghinâny a pour titre *El Ghâyah ou ulûl Ghâyât el bayân wa nádérat el agrân*.

⁵ Voy. El Djabarty, p. 4, note 6.

⁶ Le *Hâdy* dans lequel serait renfermé ce traité, d'après ce que nous apprend El Djabarty, ne se trouve pas à la B. nationale.

⁷ Voy. El Djabarty, p. 4, note 6, et p. 6, note 2. Notre auteur a eu évidemment entre les mains le *Traité des balances*.

⁸ $\frac{4200}{3,0898} = 0\text{gr.}, 0007356\bar{3}$.

⁹ $0\text{gr.}, 0007356\bar{3} \times 6000 = 4\text{gr.}, 414$.

¹⁰ $\frac{1}{15} = \frac{1}{15}$.

¹¹ $\frac{1}{15} = \frac{1}{15}$.

¹² $3,0898 \times 10 = 4\text{gr.}, 414 \times 7$.

¹³ لمثل مساحته.

¹⁴ مئسة مطن.